

شهر سیمره از شکل‌گیری تا انقراض

(مطالعه عوامل مؤثر در مکان‌گزینی، گسترش و انقراض شهر سیمره)

یونس یوسف‌وند^۱، فرشاد کرم‌زاده^{II}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.20340.2031

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۷۲-۱۵۱

چکیده

I. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Yyvand@gmail.com

II. دکتری تاریخ علم دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

سیمره / صیمره، یکی از شهرهای مهم ناحیه غربی ایران در سده‌های آغازین دوران اسلامی است که متون تاریخی به موقعیت آن در منطقه جبال و در حدفاصل خوزستان و کوهستان زاگرس اشاره کرده‌اند. این شهر پس از یک دوره حیات کوتاه مدت اما پررونق، در اوایل سده پنجم هجری متروکه می‌شود. با وجود پیشینه نسبتاً طولانی مدت مطالعات باستان‌شناسی در این شهر، امروزه ابهامات و پرسش‌های چندی در رابطه با موقعیت مکانی دقیق آن در جغرافیای امروزی منطقه و دلایل واقعی انقراض آن مطرح است. علاوه بر این، بررسی نقش عوامل مختلف در رونق و توسعه این شهر از جمله مواردی است که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. هدف پژوهش حاضر آن است تا با بررسی متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی ضمن رفع ابهام در مورد موقعیت مکانی شهر سیمره، تأثیر متغیرهای زیست‌محیطی، عوامل انسانی و تحولات سیاسی-تاریخی در روند مکان‌گزینی، گسترش و فروپاشی این شهر بررسی شود. پرسش‌های تحقیق از این قرار است: ۱. موقعیت مکانی شهر تاریخی سیمره در جغرافیای امروزی منطقه با کدام محوطه منطبق است؟ ۲. عوامل مؤثر در مکان‌گزینی (شکل‌گیری)، رشد و گسترش و انقراض شهر سیمره کدامند؟ بر این اساس، فرضیات عبارتند از: موقعیت شهر تاریخی سیمره با شهر «دره شهر» امروزی منطبق است. برخورداری‌های زیست‌محیطی و موقعیت راهبردی این شهر در مسیر راه‌های ارتباطی خوزستان به غرب ایران باعث شکل‌گیری و توسعه شهر سیمره در سده‌های آغازین اسلامی شده است و حوادث طبیعی و تحولات سیاسی-تاریخی باعث انقراض این شهر شده است. روش پژوهش تاریخی است و اطلاعات آن با استفاده از مطالعات اسنادی و بازدیدهای میدانی گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که مکان شهر تاریخی سیمره با محوطه معروف به «کلک» در حاشیه جنوب غربی شهر امروزی دره شهر منطبق است. در مرحله تکوین، عوامل تدافعی و امنیتی بیشترین نقش را در مکان‌گزینی این شهر داشته است. موقعیت راهبردی این شهر بر سر راه ارتباطی و بازرگانی خوزستان به غرب ایران در کنار برخورداری‌های زیست‌محیطی و توجه امرای آل حسنویه (۳۳۰-۴۰۶ ه.ق. ۹۴۱-۱۰۱۵ م.) به آن، رشد و شکوفایی آن در سده‌های آغازین اسلامی را موجب شده که تا اوایل سده پنجم هجری حیات آن ادامه داشته است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد در کنار زلزله، عوامل سیاسی-تاریخی و کاهش رونق راه‌های ارتباطی منطقه، که به دنبال انقراض حکومت آل حسنویه رخ داده، بیشترین تأثیر را در متروک شدن این شهر داشته است.

کلیدواژگان: شهر سیمره، عوامل زیست‌محیطی و انسانی، شواهد تاریخی و باستان‌شناسی.

مقدمه

فرآیند مکان‌گزینی، گسترش و اضمحلال شهرها در تاریخ ایران دوره اسلامی ناشی از عوامل متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در زمینه عوامل زیست‌محیطی و عوامل انسانی مورد مطالعه قرار داد. بررسی عوامل مؤثر در مکان‌گزینی، گسترش و فروپاشی شهرهای قدیمی، ضمن آن‌که بر دانش ما از حیات اجتماعی این شهرها می‌افزاید، می‌تواند متضمن ارائه الگوهای تاریخی برای برنامه‌ریزی‌های آتی توسعه شهرهای جدید گردد؛ چراکه این شهرها در روندی تعاملی با محیط جغرافیایی که در بستر آن قرار گرفته‌اند، شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. این مورد ضرورتی انکارناپذیر برای شهرهای غرب ایران می‌باشد که به شکل روزافزون در حال گسترش هستند. سیمره، یکی از مهم‌ترین شهرهای غرب ایران در سده‌های آغازین اسلامی است که در متون تاریخی به کرات به آن اشاره شده است. موقعیت راهبردی سیمره بر سر راه ارتباطی خوزستان به زاگرس مرکزی در کنار برخورداری‌های زیست‌محیطی این شهر، از جمله ویژگی‌های است که در منابع تاریخی مورد تأکید قرار گرفته است. با وجود پیشینه طولانی مدت انجام مطالعات باستان‌شناسی در مورد این شهر و شمار قابل توجه انتشارات در مورد آن، بسیاری از موضوعات مهم و اولیه در مورد آن هنوز در هاله ابهام قرار دارد و یا اساساً در پژوهش‌های پیشین مورد غفلت قرار گرفته‌اند. موقعیت مکانی این شهر در جغرافیایی امروزی منطقه، از جمله مباحثی است که در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد؛ هم‌چنین، تأثیر عوامل مختلف در شکل‌گیری، رشد و گسترش شهر، تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است. برخی پژوهش‌ها با اتکاء بر اشارات متون تاریخی دلیل انقراض شهر را وقوع زلزله دانسته‌اند، اما تاکنون شواهد کافی و متقن که آن را تأیید کند به دست نیامده است؛ از این رو، در پژوهش حاضر، نخست با بررسی دقیق متون تاریخی و سنجش و مقایسه اطلاعات آن‌ها با شواهد باستان‌شناسی در مورد موقعیت مکانی شهر رفع ابهام خواهد شد و سپس تأثیر متغیرهای زیست‌محیطی، عوامل انسانی و تحولات سیاسی-تاریخی در روند مکان‌گزینی، گسترش و فروپاشی این شهر بررسی می‌شود.

هدف و ضرورت پژوهش: هدف پژوهش حاضر، ارزیابی اشارات متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی به منظور رفع ابهام در مورد موقعیت مکانی شهر سیمره و بررسی تأثیر عوامل مختلف در حیات این شهر در سه سطح شکل‌گیری، رشد و انقراض آن است. اهمیت شهر سیمره در سده‌های آغازین اسلامی، ابهام در مورد موقعیت مکانی آن و مغفول ماندن موضوع نقش عوامل زیست‌محیطی و تحولات تاریخی-سیاسی در شکل‌گیری، رونق و هم‌چنین متروکه شدن آن، ضرورت انجام پژوهش مستقلی در این خصوص را فراهم کرده است که مقاله پیش‌رو به این مهم می‌پردازد.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش: پرسش‌های پژوهش از این قرار است: ۱. شهر تاریخی سیمره در کجا قرار داشته است و موقعیت مکانی آن در جغرافیایی امروزی منطقه با کدام محوطه منطبق است؟ ۲. عوامل مؤثر در مکان‌گزینی (شکل‌گیری)، رشد و گسترش و انقراض شهر سیمره کدامند؟ فرضیه متناظر با هریک از پرسش‌های

مذکور بدین‌قرار است: ۱. شهر تاریخی سیمره در دره‌شهر امروزی قرار داشته است و موقعیت آن با خرابه‌های معروف به گلک در جنوب غربی این شهر منطبق است. ۲. امکانات تدافعی، برخورداری‌های زیست‌محیطی و موقعیت راهبردی منطقه در مسیر راه‌های ارتباطی باعث شکل‌گیری و توسعه شهر سیمره در سده‌های آغازین اسلامی شده است. حوادث طبیعی و تحولات سیاسی-تاریخی باعث انقراض این شهر شده است.

رویکرد پژوهش و روش گردآوری اطلاعات

رویکرد پژوهش مبتنی بر رویکرد تاریخی-تحلیلی است و اطلاعات آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی جمع‌آوری شده است. در این رویکرد در ابتدا با بررسی و ارزیابی منابع کهن، شناختی کلی از شهر سیمره و موقعیت آن در منطقه به دست آمد؛ سپس از طریق بازدیدهای میدانی شواهد باستان‌شناسی و میدانی جمع‌آوری گردید و در نهایت با سنجش و مقایسه اطلاعات این دو بخش، عوامل مؤثر در حیات شهر سیمره در سه سطح مکان‌گزینی، شکوفایی و انقراض آن مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

«هنری راولینسون» از پیشگامان معرفی شهر سیمره بوده است؛ وی در اواسط قرن نوزدهم ضمن بازدید از خرابه‌های باستانی دره‌شهر کنونی، آن را با موقعیت شهر سیمره منطبق دانسته و سیمره را شهری از دوره ساسانی ذکر کرده که شباهت زیادی با خرابه‌های ایوان کرخه، شهر سیروان و قصر شیرین داشته است (راولینسون، ۱۳۳۶: ۳۹، ۱۷ و ۹). در واقع راولینسون از روی همین شباهت‌ها است که این نظر را ارائه کرده است. علاوه بر این، وی با توجه به شنیده‌های خود (نه بازدید محلی)، خرابه‌های «تنگ‌سیکان» را شهر «مهرجان‌قذق» تصور کرده و این دو شهر را از هم تفکیک کرده است. در اواخر قرن نوزدهم، «دمورگان» به واسطه واقع شدن دره‌شهر در محدوده قلمرو عیلام باستان، آن را «ماداکتو» پایتخت حکومت عیلام (ح. ۲۲۰۰ پ.م. - ۶۴۰ پ.م.) معرفی کرده است (Demorgan, 1896: 365-370). هم‌چنین ر. ک. به: دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۶، ۲۱ و ۲۵). «استین» ضمن بازدید از این محوطه، به احتمال وجود آثاری از دوره اشکانی (۲۴۷ پ.م. - ۲۲۴ م.) و ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.) در این شهر اشاره کرده است (Stein, 1940: 206-208). «چریکف» از این شهر با نام «صدمره» نام برده است (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۰۰) که در کنار رودخانه صدمره (سیمره) و به فاصله سه فرسخی پل گاومیشان وجود داشته است. نخستین بررسی‌های علمی باستان‌شناسی شهر سیمره در سال ۱۳۶۲ ه.ش. و پس از گذشت نیم‌قرن از ثبت آن در فهرست آثار ملی، توسط «سیف‌الله کامبخش‌فرد» با بررسی و تعیین حریم آن آغاز شد. در سال ۱۳۷۴ ه.ش. «نصرت‌الله معتمدی» نخستین فصل کاوش در سیمره را شروع کرد که از سال بعد و به مدت ۹ فصل به سرپرستی «سیمین لک‌پور» ادامه پیدا کرد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵). در نتیجه این کاوش‌ها، از

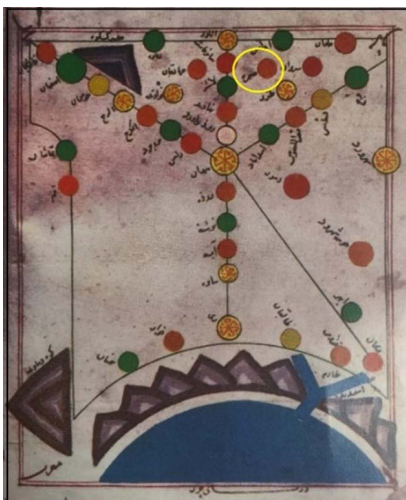
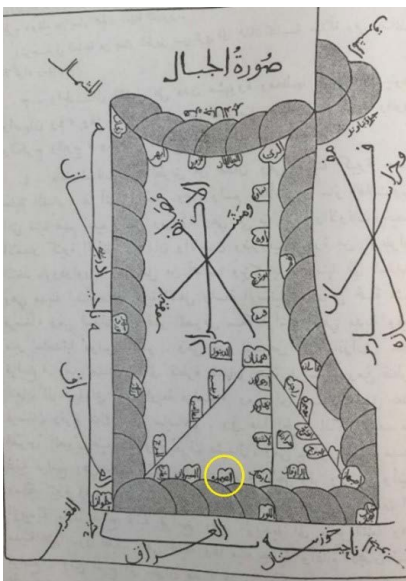
چند واحد ساختمانی بزرگ که از طرف کاوشگر با عناوینی هم چون «خانه اربابی» و «مسجد» نام‌گذاری شده‌اند، آواربرداری شد (همان). در سال ۱۳۸۸ ه.ش. «بهزاد فریادیان» نیز دو فصل کاوش در این شهر را سرپرستی کرد (فریادیان، ۱۳۸۸) که در نتیجه آن موفق به آواربرداری از بخش زیادی از مجموعه ساختمانی شد که آن را «بازارچه» می‌نامد. از دیگر تحقیقاتی که از منظر جغرافیای تاریخی به این منطقه توجه داشته‌اند می‌توان به مقاله «مظاهری» و همکاران اشاره کرد که در آن به انقراض ولایت مهرجان قذق (و نه شهر سیمره) بر اثر زلزله اشاره کرده‌اند (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۸). این مورد در مطالعات پیشین نیز به عنوان عامل متروکه شدن شهر سیمره معرفی شده است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲) که با تکیه بر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی جدید (فریادیان، ۱۳۸۸: ۳۱۸) و تحقیق پیش‌رو مورد تردید جدی می‌باشد. باید به این موارد، مقاله «گراوند» و «زینی‌وند» را نیز افزود که نویسندگان در آن، محوطه برزقواله در حوضه آبرگیر سد سیمره را برای موقعیت مکانی شهر سیمره پیشنهاد کرده‌اند (گراوند و زینی‌وند، ۱۳۹۳). در جدیدترین مطلبی که در مورد این شهر منتشر شده است، «سعادت» و «ناصری صومعه» به روال گزارش‌های پیشین، تاریخ متروکه شدن شهر را سال ۲۵۸ ه.ق. و دلیل آن را زلزله بیان کرده‌اند (سعادت و ناصری صومعه، ۱۳۹۸). تکیه اصلی این نظر بر اشارات متون تاریخی است که با توجه به قرائن تاریخی و شواهد باستان‌شناسی که در ادامه خواهد آمد، مورد تردید جدی است.

آن‌گونه که از بررسی پیشینه مطالعاتی موضوع مشخص است تاکنون پژوهشی که در آن تأثیر عوامل مختلف در شکل‌گیری، گسترش و اضمحلال شهر سیمره مورد بررسی قرار بگیرد، انجام نشده است و تنها با اتکای بر داده‌های متون تاریخی به انقراض شهر بر اثر زلزله اشاره شده است؛ بنابراین این مقاله با بررسی جغرافیای محیطی، منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناسی به مطالعه حیات اجتماعی شهر سیمره از شکل‌گیری تا اضمحلال آن خواهد پرداخت.

ملاحظات در جغرافیای تاریخی شهر سیمره

قبل از پرداختن به عوامل مؤثر در شکل‌گیری، رشد و انقراض شهر سیمره، بررسی موقعیت مکانی و تاریخی آن براساس منابع کهن، ضروری به نظر می‌رسد. در منابع تاریخی از سیمره به عنوان مرکز ولایت مهرجان قذق (مهرگان‌کدک، مهرگان قذق، و مهرگان کدک) و یکی از شهرهای مهم ایالت جبال یاد شده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۱ و ۲۴۴؛ استخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴؛ مسعودی، ۱۳۴۶: ۴۹ و ۳۵۳؛ ابن حوقل، ۱۳۱۵: ۳۶۱-۳۶۲). «لسترنج» نیز با استناد بر متون تاریخی، مهرجان قذق را محیط بر سیمره دانسته است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۱۸). از تاریخ دقیق بنیان‌گذاری شهر سیمره اطلاعات دقیقی به دست نیامده است؛ برخی از منابع کهن تاریخ آن را به دوره اشکانیان منتسب کرده‌اند (دینوری، ۱۳۳۹: ۴۰). استین نیز به احتمال وجود آثار دوره اشکانی در این شهر اشاره کرده است (Stein, 1940: 206-208). دوره ساسانی ایالت مهرجان قذق در فهرست مناطق دینی نسطوری در سال‌های

۵۷۷-۵۸۸ م. ذکر شده است (Guidi, 1889: 412). برخی منابع از آن به‌عنوان بخشی از «گوست خُوربران» اشاره کرده‌اند (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷). «مقدسی» تاریخ بنیان‌گذاری ایالت مهرجان قذق را در دوره «قباد» (۴۸۸-۵۳۱ م.) ذکر کرده است و از شهر سیمره به‌عنوان یکی از شهرهای ایالت جبال نام برده است که سابقه پهلوی دارد (مقدسی، ۱۹۰۶: ۲۵۷ و ۳۸۶). مورخانی هم چون «دینوری» و «ابن اثیر» به فتح شهر سیمره در سال ۲۰ ه.ق. و در زمان خلافت عمر (۱۳-۲۳ ه.ق. / ۶۳۴-۶۴۴ م.) اشاره کرده‌اند (دینوری، ۱۳۳۹: ۱۳۲-۱۳۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۶). این تاریخ توسط برخی مورخان متأخرتر نیز مورد تأیید قرار گرفته است (ابوالفداء، ۱۳۳۲: ج ۱، ۱۶۴؛ ابن وردی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲۶)؛ اما برخی دیگر، فتح آن را مربوط به سال ۲۱ ه.ق. و قبل از فتح نهاوند و فاتح آن را نیز «سائب» ذکر کرده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۲: ۳۵۳). «طبری» تاریخ دقیقی را برای فتح مهرجان قذق ذکر نمی‌کند، اما از «سپهسالار هرمزان» که در نبرد با اعراب شهرت خاصی داشته با نام «مهرجانی» یاد کرده است (طبری، ۱۹۶۴: ج ۳، ۲۵۳۴ و ۲۵۶۰) و وی را اهل مهرجان قذق معرفی کرده است. با استناد بر این گزارش‌ها می‌توان پذیرفت که شهر سیمره در دوره ساسانی وجود داشته است که این مورخان به فتح آن توسط سپاهیان اسلام اشاره کرده‌اند. نکته قابل توجه در مورد این گزارش‌ها ذکر فتح مهرجان قذق و سیمره به‌طور جداگانه است که احتمالاً خود اشاره بر وجود دو محیط استقرار مجزا از هم دارد؛ احتمالاً روالینسون در جدا بودن این دو (مهرجان قذق و سیمره) به این گزارش و گزارش‌های بعدی که در ادامه ذکر خواهد شد، تکیه داشته است.



▲ تصویر ۱. موقعیت سیمره بر روی نقشه قدیمی ایالت جبال؛ بالا (ابن حوقل، ۱۳۱۵: ۳۵۶)، پایین (استخری، ۱۳۴۰: ۱۶۳).

هرچند که ابن خردادبه، یعقوبی، ابن رسته، مسعودی، استخری و ابن حوقل، سیمره را به‌عنوان مرکز ایالت مهرجان قذق و یکی از شهرهای مهم ایالت جبال معرفی کرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۱ و ۲۴۴؛ یعقوبی، ۱۳۴۴: ۴۳-۴۴؛ ابن رسته، ۱۲۷۹: ۲۶۹-۲۷۰؛ استخری، ۱۳۴۰: ۱۶۴؛ مسعودی، ۱۳۴۶: ۴۹ و ۳۵۳؛ ۱۳۴۴: ج ۲، ۲۹۷؛ استخری، ۱۳۴۰: ۱۶۲-۱۶۴؛ ابن حوقل، ۱۳۱۵: ۳۶۱-۳۶۲)، اما گزارش‌های برخی دیگر از جغرافی‌نگاران دوره اسلامی هم چون «ابن فقیه»، «مقدسی» و «یاقوت حموی» قدری متفاوت است؛ ابن فقیه در البلدان سیمره را همان مهرجان قذق تصور کرده است (ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۲۰۹) و این دو مکان را یک شهر دانسته است. مقدسی نیز عقیده‌ای نزدیک به این دارد و ماسبذان و مهرجان قذق را با هم خلط کرده و سیمره را مرکز آن دو تصور کرده است (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۴). آن چه روشن است، شهر سیمره به‌عنوان مرکز مهرجان قذق و یکی از شهرهای مهم ایالت جبال در همجواری شهر سیروان قرار داشته است (تصویر ۱).

یاقوت حموی در ذیل واژه «صیمره» از دو شهر یا مکان با این اسم یاد کرده است (حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹) که شهر نخست با این نام در مجاورت شهر بصره و شهر دوم در ایالت مهرجان قذق قرار داشته است؛ وی مهرجان قذق را یکی از شهرهای ایالت جبال و در نزدیکی شهر سیمره تصور کرده است (حموی، ۱۳۷۶: ج ۵، ۲۳۳). این موضوع در سال‌های بعد در کتاب مرآد-الاطلاع «بغدادی» که صورت خلاصه کتاب معجم البلدان است، نیز تکرار شده است (بغدادی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۸۶؛ ج ۳،

۱۳۳۹). «قزوینی» یکی از مهم‌ترین جغرافی‌دانان در قرن هفتم هجری قمری در کتاب آثار البلاد خود در ذیل واژه صیمره از مختصات جغرافیایی و فقیهان بزرگ این شهر در کنار بصره نام می‌برد، ولی از صیمره مهرجان قذق که در این زمان متروکه بوده هیچ نامی را به میان نیاورده است (ر. ک. به: قزوینی، ۱۳۸۰: ۴۰۰-۴۰۱). «ابوالفداء» که از منظر جغرافیای ریاضی به مکان‌های جغرافیای می‌پردازد از آخرین جغرافیدانانی است که مطلبی در مورد صیمره آورده است (ابوالفداء، ۱۸۴۰: ۴۱۲)؛ وی موقعیت این شهر را در اقلیم چهارم و در ایالت جبال ذکر کرده است؛ پس از آن، دیگر از صیمره در منابع معتبر نامی نیامده است.

مکان یابی شهر صیمره و نقد فرضیات مطرح در این زمینه

در ارتباط با موقعیت جغرافیایی شهر صیمره، پژوهش‌های چندی انجام گرفته است؛ «عبدالله قوچانی» شهر ایلام امروزی را موقعیت صیمره دانسته است (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۳). استناد وی برای این مکان یابی، گزارش ابن حوقل است که فاصله شهر سیروان تا صیمره را یک منزل عنوان کرده است (ابن حوقل، ۱۳۱۵: ۳۶۱). از آنجا که قوچانی موقعیت سیروان را در سومار دانسته و با توجه به این که فاصله سومار تا دره شهر بیشتر از یک منزل است، وی پیشنهاد می‌کند که شهر صیمره باید در منطقه‌ای نزدیک به سومار باشد و بهترین مکان برای آن را شهر کنونی ایلام ذکر می‌کند که فاصله آن تا سومار نزدیک به همان یک منزل ابن حوقل است؛ اما باید توجه داشته باشیم که ویژگی‌های جغرافیایی منطقه سومار با توصیف محیط جغرافیایی شهر سیروان که در منابع تاریخی آمده هم خوانی ندارد. ابوالفداء در تقویم البلدان طول و عرض جغرافیایی شهر سیروان را با مختصات طول ۳۷ درجه و عرض ۳۳ درجه و ۳۰ دقیقه ذکر کرده است که این مختصات ارائه شده با شهرستان سیروان در استان ایلام هم خوانی دارد (ابوالفداء، ۱۸۴۰: ۴۱۴). علاوه بر این توجه به گزارش یاقوت در مورد موقعیت منطقه طرهان نسبت به صیمره و اشاره به پلی بزرگ و حیرت‌انگیز در حدفاصل این دو (یاقوت حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۴۲-۴۴۳)، در کنار سایر ویژگی‌های اقلیمی ارائه شده در مورد شهر صیمره، نشان می‌دهد که شهر ایلام گزینه مناسبی برای موقعیت شهر صیمره نیست؛ چراکه در این ناحیه رودخانه‌ای وجود ندارد که بر روی آن پلی بزرگی احداث شده باشد.

محل دیگری که برای موقعیت شهر صیمره پیشنهاد شده، محوطه برزقواله در حوضه آبگیر سد کنونی صیمره است (زینی‌وند و گراوند، ۱۳۹۳: ۴۷۶). برزقواله آن‌گونه که کاوشگران عنوان کرده (لشگری و همکاران، ۱۳۹۱) و در مقاله گراوند و زینی‌وند هم به درستی به آن اشاره شده، بنای یادمانی یا کوشکی از دوره ساسانی بوده و نه یک شهر از دوره اسلامی و حتی با برقراری ارتباط فضایی بین این محوطه با دیگر محوطه‌های نزدیک به آن هم چون قلعه سیرم‌شاه (زینی‌وند و گراوند همان)، نمی‌توان آن را محوطه‌ای شهری با ویژگی‌های شهری دوره اسلامی یا قبل از آن دانست؛ درحالی‌که در متون تاریخی به صراحت از صیمره به عنوان یک شهر نام‌برده شده و ویژگی‌های شهری آن مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این،

شواهد باستان‌شناسی برزقواله مربوط به دوره ساسانی است و یافته‌های شاخصی از دوره اسلامی از آن به دست نیامده است؛ در حالی که شهر سیمره‌ای که متون تاریخی و جغرافیایی آن را معرفی می‌کنند در سده‌های آغازین اسلامی رونق بسیار داشته و دوره حکومت آل حسنویه از شهرهای مهم غرب ایران بوده است که دارای کرسی حکومتی بوده و در آن سکه ضرب می‌شده است (تصویر ۱۲). این اشارات متون تاریخی انتظار وجود دست‌کم گونه‌های سفالی از سده‌های آغازین اسلامی از محوطه‌ای که به عنوان مکان احتمالی شهر سیمره معرفی می‌شود را منطقی می‌نماید، که شواهد باستان‌شناسی محوطه برزقواله فاقد این ویژگی است. نکته دیگر این که، محوطه برزقواله در کرانه‌های شرقی رودخانه سیمره، یعنی در محدوده منطقه طرهان قرار دارد و این با گزارش «ابودلف» (ابودلف، ۱۳۴۲: ۶۱) که می‌گوید بین سیمره و طرهان پلی بزرگ قرار دارد هم‌خوانی ندارد. اگر ما برزقواله را شهر سیمره فرض کنیم، در این صورت با توجه به گفته ابودلف، طرهان باید در آن طرف رودخانه، یعنی در کرانه‌های غربی رودخانه سیمره قرار بگیرد و در این صورت است که براساس منابع کهن وجود پلی بزرگ بین این دو معنی پیدا می‌کند؛ حال آن که می‌دانیم طرهان در شرق رودخانه سیمره قرار دارد، نه در غرب آن. طرهان در غرب استان لرستان قرار دارد که از شمال به رود سیمره، از غرب به چگنی و رود سیمره از شرق به رودخانه کشکان و از جنوب به پلدختر محدود می‌شود. مناطقی هم چون: کوه‌دشت، رومشکان، کونانی و گراب در این منطقه قرار می‌گیرند (آدینه‌وند و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۳ و ۱۴۴)؛ بنابراین موقعیت محوطه برزقواله و شواهد باستان‌شناسی آن با شهر تاریخی سیمره مطابقت ندارد.

دقت در گزارشات متون تاریخی که اطلاعاتی در مورد موقعیت جغرافیایی شهر سیمره، شرایط آب‌وهوایی و رستنی‌های آن می‌دهند (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۴؛ حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹؛ بی‌نا، ۱۳۴۰: ۱۴۱) تا حدود اطمینان بخشی نشان می‌دهد که مکان این شهر منطبق با شرایط اقلیمی و جغرافیایی دره شهر کنونی است. اشاره به وجود پلی بزرگ در حدفاصل طرهان و سیمره (ابودلف، ۱۳۴۲: ۶۱؛ حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹) نشان می‌دهد که شهر سیمره باید در نزدیک رودخانه‌ای بزرگ و خروشان قرار داشته باشد؛ چراکه بر روی چنین رودخانه‌ای است که پلی بزرگ ساخته می‌شود، پلی در این حد بزرگ که از آن با عنوان از عجایب پل‌های عالم و بزرگ‌تر از پل خانقین یاد می‌شود (یاقوت حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۴۲-۴۴۳). رودخانه خروشان سیمره در حدفاصل استان لرستان و ایلام تنها رودخانه مهم منطقه است که دارای چنین ویژگی‌ای است. بر روی این رودخانه چند پل بزرگ و مهم از دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی ساخته شده است. این رودخانه در بخشی از مسیرش به سمت جنوب، منطقه طرهان را از شهرستان دره جدا می‌کند. این شواهد نشان می‌دهد که شهر سیمره را می‌باید در ساحل جنوبی رودخانه سیمره و در دامنه کورکوه جستجو کرد. تنها محوطه بزرگ شهری این منطقه، خرابه‌های گلک در حاشیه جنوبی شهر دره شهر است که سال‌ها قبل توسط راولینسون به عنوان مکان شهر سیمره مطرح شده است (راولینسون، ۱۳۳۶: ۶۴). در پژوهش حاضر، این پیشنهاد با ارائه شواهد تاریخی و

باستان‌شناختی مورد تأیید قرار می‌گیرد. شهر امروزی دره‌شهر در جنوب شرقی استان ایلام قرار دارد که از سمت شمال به رودخانه سیمره و از سمت جنوب به گورکوه متصل می‌شود. موقعیت دره‌شهر با موقعیت شهر سیمره بر روی نقشه استخری که سیمره را در حدفاصل اندامش و سیروان و شاپورخواست نشان داده، منطبق است (تصویر ۱). ابوالفداء که از منظر جغرافیای ریاضی به مکان‌های جغرافیای پرداخته و اطلاعات دقیق‌تری از موقعیت شهرها ارائه کرده است، شهر سیمره را در ایالت جبال و با مختصات طول جغرافیایی ۷۱ درجه و ۳ دقیقه و عرض ۳۴ درجه و ۴۰ دقیقه معرفی می‌کند (ابوالفداء، ۱۸۴۰: ۴۱۲). بخشی از این مختصات با موقعیت جغرافیایی تنگه بهرام‌چوبین (طول ۷۲ درجه و ۸۹ دقیقه و عرض ۳۶ درجه و ۶۳ دقیقه) همخوانی دارد. اما ویژگی‌های فضای و بناهای این مکان با اطلاعات متون کهن که سیمره را شهری بزرگ و کرسی ایالت معرفی می‌کنند، مطابقت ندارد. بخش دیگری از مختصات ارائه شده توسط ابوالفداء با موقعیت شهر دره‌شهر (حداکثر طول شرقی ۴۷ درجه و ۲۱ دقیقه و حداکثر عرض شمالی ۳۳ درجه و ۷ دقیقه) از نظر عرض شمالی قرابت دارد. دره‌شهر از لحاظ مختصات عرض جغرافیایی و محیط وسیعی که ابوالفداء برای شهر سیمره ارائه می‌دهد رابطه بسیار نزدیکی دارد و بر این اساس مختصات ارائه شده بیشتر با موقعیت دره‌شهر مطابقت دارد.

در سال‌های گذشته کاوش‌هایی در این محوطه انجام گرفته است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵) و مقالاتی نیز در مورد یافته‌های باستان‌شناسی حاصل از این کاوش‌ها منتشر شده است (فیضی و همکاران، ۱۳۹۲: یوسف‌وند و میری، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۹؛ مبینی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ هرچند کاوشگر این محوطه براساس نتایج کاوش‌ها، زمان حیات شهر را از سده دوم تا چهارم هجری قمری عنوان می‌کند (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵)، اما باید توجه داشته باشیم که این کاوش‌ها تنها در بخش‌های کوچکی از این محوطه ۱۲۰ هکتاری انجام گرفته است و در حال حاضر، به طور قطع نمی‌توان وجود آثار دوره ساسانی و موجودیت شهر طی این دوره را رد کرد، کما این‌که نتایج کاوش‌های جدیدتر، شواهدی از دوره ساسانی را آشکار کرده است (فریادیان، ۱۳۸۸: ۳۱۸) و منابع تاریخی هم به موجودیت آن در اواخر دوره ساسانی اشاره می‌کند. نکته تعجب برانگیز این است که لک‌پور بدون ارائه شواهد تاریخی و باستان‌شناسی این محوطه را شهر «هاشمیه» اولین پایتخت عباسیان معرفی می‌کند (لک‌پور، همان). استدلال وی در این خصوص، تنها اتکاء بر وجود طایفه‌ای در دره‌شهر به نام میرهاشمی / میرهاشمیان است که ادعا دارند از نسل هاشم، جد بنی‌عباس هستند و اجدادشان از عراق به این منطقه مهاجرت کرده‌اند؛ وی با مرتبط کردن حضور این خانواده در این منطقه با وقایع تاریخی دوره انتقال حکومت از بنی‌امیه به عباسیان، اعتقاد دارد که خرابه‌های باستانی دره‌شهر همان «قصر ابن‌هبیره» آخرین سردار اموی است که به دلیل شکست امویان از عباسیان ناتمام مانده و در دوره استقرار خلیفه عباسی در این شهر و تکمیل آن توسط وی به مناسبت نام جدش «هاشم»، «هاشمیه» نامیده شد. به طور قطع، صرف حضور یک طایفه در منطقه که ادعا دارند از نسل بنی‌هاشم هستند، نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای این انتصاب

باشد. در هیچ‌یک از منابع تاریخی به وجود شهر هاشمیه در ایالت جبال و منطقه کوهستانی زاگرس اشاره نشده است. اکثریت قریب به اتفاق مورخان به موقعیت شهر هاشمیه در عراق و در منطقه‌ای در حدفاصل بغداد و کوفه اشاره کرده‌اند؛ برخی هم چون «بلاذری» (بلاذری، ۱۳۴۶: ۱۲۶) و «طبری» (طبری، ۱۳۶۳: جلد ۱۱، ۴۸۶۷) به موقعیت این شهر در حدفاصل بغداد و کوفه اشاره کرده‌اند، برخی هم به وجود شهر هاشمیه در انبار و حیره (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۸۷) و یا در دوازده فرسخی بغداد اشاره کرده‌اند (همانجا). یاقوت حموی در ذیل واژه صیمره از دو شهر یا مکان با این اسم یاد می‌کند (حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹)، وی موقعیت صیمره نخست را در مجاورت شهر بصره عنوان کرده و به وجود صیمره دوم در ایالت مهرجان قذق اشاره کرده است. با توجه به این گفته یاقوت حموی و با در نظر گرفتن اشارات دیگر مورخان در مورد موقعیت شهر هاشمیه، تا حدود اطمینان بخشی روشن است که شهر هاشمیه در عراق امروزی قرار داشته است. گزارشات مورخان و جغرافی‌نگاران در مورد موقعیت شهر هاشمیه با خرابه‌های دره شهر مطابقت ندارد و این محوطه همان شهره صیمره/سیمره ایالت جبال است. حال که موقعیت شهر سیمره در جغرافیایی امروزی منطقه مشخص شد، عوامل مؤثر در تکوین، رونق و انقراض این شهر بررسی می‌شود.

عوامل مؤثر در مکان‌گزینی و تکوین شهر سیمره

الف) موقعیت مناسب دفاعی: محوطه معروف به «کلک» که از این پس ما آن را شهر «سیمره» می‌نامیم در حاشیه جنوبی شهر امروزی دره شهر و در داخل دره‌ای شکل گرفته است که اطراف آن را کوه‌ها و تپه‌های بلند با شیب تند فرا گرفته است. با نگاهی گذرا به خرابه‌های شهر سیمره در دامنه گور و ارزیابی موقعیت جغرافیایی منطقه‌ای که سیمره در آن واقع شده به روشنی نقش عوامل تدافعی در انتخاب محل ساخت شهر آشکار می‌شود. شهر در درون دره‌ای باریک بنا شده که از سه جهت شرق، جنوب و غرب به وسیله کوه و تپه‌های شیب‌دار محاصره است و فقط از سمت شمال با عرض بسیار کم به جلگه منتهی می‌شود. با توجه به کم بودن فاصله بین کوه‌های مجاور در این قسمت (۶۰۰ متر)، با ساخت دیواری به راحتی می‌توانسته‌اند اهداف تدافعی را تأمین کنند. راولینسون ضمن تأکید بر موقعیت مناسب شهر سیمره از نظر دفاعی، بیان می‌کند دیوار بزرگی در قسمت پایین درّه، بنا شده که مجموعاً با سایر مواضع طبیعی از نظر دفاعی استحکام بی‌نظیری را پدید می‌آورد (راولینسون، ۱۳۳۶: ۶۵). دیوار مورد اشاره راولینسون، امروزه بر اثر گسترش شهر جدید دره شهر تخریب شده و اثری از آن باقی نمانده است. در منتهی‌الیه بخش شمالی خرابه‌های شهر سیمره در محدوده میان میدان آزادی و بلوار جمهوری، دهانه درّه تنگ‌تر می‌شود و از دو طرف، کوه‌ها به داخل درّه کشیده شده‌اند. دیوار دفاعی که راولینسون وجود آن را گزارش می‌کند، احتمالاً در این قسمت قرار داشته است (تصاویر ۲ و ۳). با توجه به احاطه شدن شهر به وسیله کوه و پشته‌های شیب‌دار و صعب‌العبور در سایر بخش‌ها، به نظر می‌رسد که دروازه ورودی شهر در

همین قسمت قرار داشته است. امروزه نیز راه دسترسی به خرابه‌های شهر قدیمی در این قسمت قرار دارد. در ضلع غربی ورودی شهر از سمت شمال، بر روی تپه‌ای با شیب تند، بقایایی قلعه‌ای با مصالح و شیوه‌های ساخت مشابه با خرابه‌های شهر سیمره باقی مانده است (تصویر ۵). موقعیت و میدان دید این قلعه به گونه‌ای است که به ورودی درّه در سمت شمال، شهر در سمت جنوب و زمین‌های ضلع غربی اشراف کامل دارد. موقعیت قرارگیری این قلعه در بالای کوه و پلان آن، کاربری نظامی آن در جهت تأمین امنیت شهر را تقویت می‌کند. رشته کوه گور که از شمال غرب به طرف جنوب شرق کشیده شده، به عنوان یک دیوار عظیم طبیعی، شهر را از سمت جنوب دربر گرفته است (تصویر ۴). آن گونه که از بررسی موقعیت جغرافیایی شهر برداشت می‌شود، در مرحله مکان‌گزینی و انتخاب محل ساخت شهر، وجود موانع دفاعی طبیعی و استفاده حداکثری از این موانع بیشترین نقش را در ساخت شهر داشته است. اگر غیر از این بود، بهترین محل برای ساخت شهر در داخل جلگه و نزدیک به رودخانه سیمره بود که امکانات زیستی مناسب‌تری دارد. بی شک در کنار این عامل اصلی، دیگر عوامل محیطی هم چون دسترسی مناسب به منابع آب، وجود زمین‌های مناسب کشاورزی در پیرامون شهر، نقش این عامل اولیه را



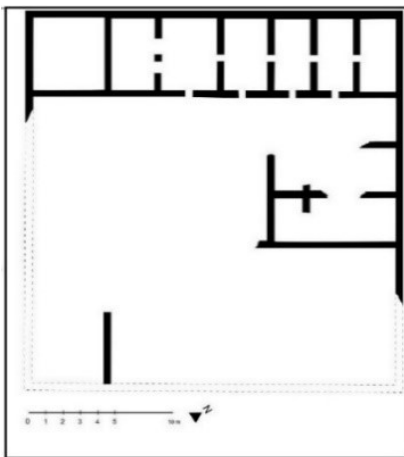
تصویر ۲. عکس هوایی خرابه‌ای شهر سیمره (اشمیت، ۱۹۸۵: ۲۲۵). ◀



تصویر ۳. تصویر ماهواره‌ای موقعیت شهر سیمره در دامنه کبیرکوه (Google Earth, 2019). ◀



► تصویر ۴. نمای از خرابه‌های شهر سیمره. دید از شمال غرب (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ تصویر ۵. موقعیت و پلان قلعه ضلع جنوب غربی شهر سیمره (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تقویت می‌کند؛ اگرچه عرض دره‌ای که شهر در آن شکل گرفته است کم و مساحت زمین‌های کشاورزی آن زیاد نیست، اما خاک بسیار مرغوب و حاصلخیز، امکان کشت را در چند نوبت در سال فراهم کرده است.

ب) منابع آب: دسترسی آسان به منابع آب همواره یکی از مهم‌ترین عوامل در مکان‌گزینی و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها و شهرها در دوره‌های مختلف بوده است. این عامل نه تنها در شکل‌گیری شهرها مؤثر بوده است، بلکه حتی بر ساختار و سازمان فضایی شهر نیز تأثیر داشته است که شهر سیمره نیز از این قاعده مستثنی نیست و شکل‌گیری و رشد آن به‌طور مستقیم وابسته به این عامل بوده است. مهم‌ترین منابع آب شهر سیمره چشمه‌سارها و جویبارهایی است که از دامنه کورکوه سرچشمه می‌گیرند. این منابع عبارتند از:

۱) سراب دره شهر: این سراب مهم‌ترین منبع آب شیرین شهر سیمره بوده است که از تنگه دره شهر در دامنه شمالی کور سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۸ کیلومتر به رودخانه سیمره می‌ریزد. این رودخانه کوچک در مسیرش از شمال به جنوب با عبور از حاشیه شرقی شهر سیمره، ضمن مشروب کردن زمین‌های کشاورزی و باغات شهر، چرخ آسیاب‌ها را نیز به گردش درمی‌آورده است.

(۲) چشمه سالی‌کو: این چشمه از تپه‌های گچی و آهکی که دنباله طبیعی گور کوه است، سرچشمه می‌گیرد و از حاشیه غربی شهر می‌گذرد. به دلیل ورود روان آب‌های اطراف به بستر این چشمه، در فصول پربارش تشکیل رودخانه‌ای خروشان را می‌دهد که در سال‌های اخیر طغیان آن باعث تخریب بخش‌های از شهر باستانی شده است. در گذشته، جهت کنترل آب این رودخانه و جلوگیری از خسارات احتمالی طغیان آن، تمهیداتی اندیشیده شده که در بخش شمالی شهر شواهدی از این اقدامات به صورت کانال، سیل بند و پل بند باقی مانده است (تصویر ۶). امروزه نیز در مسیر این کانال‌های قدیمی، جهت هدایت سیلاب و محافظت از خرابه‌های باستانی، کانالی جدید احداث شده است. آب این چشمه پس از دریافت چند چشمه فصلی دیگر از تپه‌های غرب شهر و عبور از حاشیه غربی شهر سیمره به رودخانه سیمره می‌ریزد.

(۳) سراب شوره: این چشمه از تپه‌هایی که دنباله طبیعی کورکوه است، سرچشمه می‌گیرد. آب این چشمه همان طور که از نام آن پیداست، شور است؛ شوری آن هم به دلیل گچی بودن جنس تپه‌های است که این چشمه از آنجا سرچشمه می‌گیرد. به دلیل شور بودن آب این چشمه، به احتمال از آن بیشتر برای آبیاری زمین‌های کشاورزی، باغات و به گردش درآوردن چرخ آسیاب‌ها استفاده می‌شده است. در سرچشمه این سراب بقایای مخروبه یک آسیاب قدیمی باقی مانده است (تصویر ۶). علاوه بر منابع آبی که ذکر آن گذشت، رودخانه سیمره نیز منبع آب دائمی برای کشاورزی بوده است که در فاصله ۴ کیلومتری شهر سیمره در جریان است.



تصویر ۶. یکی از آسیاب‌های شهر سیمره (نگارندگان، ۱۳۹۸).

(ج) شیب زمین: شیب زمین، همواره یکی از عوامل اصلی در مکان‌گزینی استقرارهای انسانی از گذشته تا امروز بوده است. جهت و درصد شیب زمین در استقرارهای با استعداد کشاورزی، چه به صورت آبی و چه به صورت دیم، اهمیت فراوان داشته است. این عامل برای انتقال آب آشامیدنی به سطح شهر و دفع فاضلاب شهرها نیز بسیار مورد توجه بوده است. دره‌ای که شهر سیمره در آن ساخته شده است، دارای شیب ملایمی از سمت جنوب به طرف شمال است. با

توجه به جهت شیب دره و قرار داشت چشمه‌ها و سراب‌ها در سمت جنوب دره، یعنی در بالاترین شیب دره، احداث شهر در دره پایین‌دست این منابع، این امکان را فراهم می‌کرده است که با کمترین هزینه و با ایجاد کانال‌ها و جوی‌های به سهولت آب این چشمه‌ها و سراب‌ها به داخل شهر منتقل شود. در منابع تاریخی به جریان آب در سطح شهر اشاره شده است. که با توجه به موقعیت چشمه‌ها و شیب شهر، این اشارات تاریخی تأیید می‌شود. موقعیت انتخاب شده برای ساخت شهر، انتخابی آگاهانه به منظور بهره‌برداری بهینه از منابع آبی با کمترین هزینه ممکن بوده است. زمین‌های کشاورزی در سمت شرق و شمال شهر قرار داشته‌اند که آب چشمه‌های بالادست پس از عبور از شهر و برداشت از آن‌ها به میزان لازم، به سهولت بر این زمین‌ها سوار می‌شده است. در بررسی‌های انجام گرفته در سطح شهر، تنبوشه‌های سفالی به دست آمده است که به وسیله آن‌ها آب آشامیدنی مورد نیاز ساکنان از چشمه‌ها و سراب‌های واقع در ضلع جنوبی به داخل شهر منتقل می‌شده است (فریادیان، ۱۳۸۶). در این بررسی‌ها هم‌چنین کانال‌هایی شناسایی شده که سیلاب و فاضلاب را به خارج از شهر منتقل می‌کرده‌اند (تصویر ۷). نکته دیگر که ذکر آن در این جا لازم است، پراکنش آثار معماری و ساختمان‌های شهری در محور طولی و در جهت جنوب به شمال است. به نظر می‌رسد الگوی گسترش و ساختار شهر سیمره در ارتباط با مسیر منابع آبی بوده که در دره جریان دارد و شهر در محور جنوب به شمال و به موازات مسیر حرکت این منابع آبی گسترش یافته است.

۴) آب و هوایی مناسب: میانگین بارندگی سالانه در دره شهر بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر است و میانگین دما هم بین ۱۴ تا ۲۵ درجه سانتی‌گراد است؛ این شرایط آب‌وهوایی دره شهر را در اقلیم گرم قرار می‌دهد که دارای تابستان‌های گرم و زمستان‌های معتدل است. تأثیر این شرایط اقلیمی را می‌توان در الگوی ساخت بناهای شهر مشاهده کرد. محور طراحی و ساخت بیشتر ساختمان‌ها، شمالی-جنوبی است که الگوی مناسب با چنین شرایط آب‌وهوایی است.

عوامل رونق و گسترش شهر سیمره

الف) استعدادهای زیست‌محیطی منطقه: دره سیمره با طول ۳۰ کیلومتر در جهت شرقی-غربی و عرض ۱۰ کیلومتر در جهت شمالی-جنوبی، جنوبی‌ترین و پست‌ترین دره پیشکوه غربی به شمار می‌رود که در دامنه کورکوه قرار دارد. منابع آبی فراوان، زمین‌های کشاورزی مرغوب و مناسب، تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری و شرایط آب‌وهوایی مناسب در این منطقه، همواره بستر مناسبی برای استقرار گروه‌های انسانی فراهم کرده است. در منابع و متون تاریخی به کرات به شرایط مناسب زیستی این منطقه اشاره شده است (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۴؛ حموی، ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹؛ حدودالعالم، ۱۴۱). میزان خراج ذکر شده برای شهر سیمره در مقایسه با دیگر شهرها، شاهی است از رونق اقتصاد و اهمیت این شهر که با توجه به شرایط زیستی مناسب محیط پیرامون شهر، نشان از متکی بودن اقتصاد سیمره بر پایه کشاورزی و دامپروری است (ابن‌رسته، ۱۲۷۹: ۲۶۹-۲۷۰). این ویژگی یکی از عوامل رشد و گسترش شهر بوده است.



▲ تصویر ۷. کانال‌های دفع سیلاب در ضلع شمال‌غربی شهر سیمره (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ب) موقعیت ارتباطی و مواصلاتی سیمره: موقعیت راهبردی دره سیمره در حدفاصل کوهستان زاگرس در شمال و دشت‌های پست خوزستان و میان‌رودان در جنوب، آن را در محور راه‌های درون و برون منطقه‌ای مهمی قرار داده است. شواهد باستان‌شناسی این موقعیت ارتباطی در اطراف دره شهر به صورت نقوش برجسته از دوره آشور نو (مظاهری، ۱۳۸۵: ۶۳-۷۰؛ شنبه‌زاده و علی‌بیگی، ۱۳۸۹: ۹۱-۱۰۰) پل‌ها (پرویز، ۱۳۸۲: ۱۳۹-۱۴۲) و جاده‌های سنگ‌فرش (یوسف‌وند و نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۸۸-۱۸۶) از دوران هخامنشی تا اسلامی به دست آمده است. «اشپولر» می‌گوید سیمره در سر راه جاده بازرگانی قرار گرفته که از همدان به اسدآباد در جبال می‌رسید و از آنجا تا حلوان ادامه می‌یافته و سپس به دشت‌های پایین سرازیر شده و از طریق پل نهروان به بغداد منتهی می‌شده است (اشپولر، ۱۳۷۳: ۳-۲۶۲).

در دوره ساسانی با توجه موقعیت راهبردی سیمره در محور راه ارتباطی خوزستان (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های اقتصادی دولت ساسانی با شهرهای مهمی هم‌چون: جندی‌شاپور، ایوان‌کرخه، شوش و شوشتر) به غرب ایران، مورد توجه ویژه دولت ساسانی قرار گرفت. فراوانی آثار معماری و استقرارهای دوره ساسانی در این منطقه اشاره به اهمیت این منطقه در این دوره دارد (بروجنی، ۱۳۸۵). این روند در سده‌های آغازین اسلامی نیز ادامه یافت. شواهدی از جاده‌های سنگ‌فرش و پل‌های ارتباطی در اطراف سیمره باقی مانده است که اهمیت مواصلاتی این شهر در دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی را نشان می‌دهد. در متون تاریخی سده‌های آغازین دوران اسلامی به راه‌های ارتباطی منتهی به سیمره و فاصله سیمره با شهرهای مهم منطقه اشاره شده است (ابن‌حوقل، ۱۳۱۵: ۳۶۱؛ یعقوبی، ۱۳۴۳: ۴۳-۴۴)؛ در مسیر این راه‌ها، پل‌های متعددی از دوره ساسانی و اوایل اسلامی باقی مانده است که از جمله می‌توان به پل چمن‌مشت یا آب‌برده در فاصله چهار کیلومتری شمال سیمره بر روی رودخانه سیمره اشاره کرد (تصویر ۸). امتداد جانبی این پل در سمت جنوب به طرف شهر سیمره است و در سمت شمال هم به جاده سنگ‌فرش معروف به «میروره» منتهی می‌شود (تصویر ۹)؛ این پل بر سر راهی باستانی قرار داشته که سیمره و دشت بزرگ طرهان را به هم وصل می‌کرده است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، ابودلف در قرن چهارم هجری قمری از طریق همین راه به سیمره رفته و از این پل دیدن کرده است (ابودلف، ۱۳۴۲: ۶۱). این راه ارتباطی پس از طرهان به طرف شهرهای سیروان و آدیوجان می‌رفته است (یوسف‌وند و نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۸۳). در سرطرهان از روی پل بزرگ دیگری به نام «سی‌پله/ گرو دختر» عبور می‌کرده است (Stein, 1940: 240؛ چاغروند، ۱۳۷۶: ۱۸۲). مسیر ارتباطی دیگری از سیمره به طرف شرق می‌رفته که پس از عبور از روی پل بزرگ گاومیشان، دو شعبه می‌شده است؛ یک شاخه از آن به سمت جنوب و خوزستان می‌رفته و شعبه دیگر آن با عبور از روی پل دختر به شاپورخواست این راه منتهی می‌شده است.



► تصویر ۸. تصویر ماهواره‌ای موقعیت شهر سیمره در دامنه کبیرکوه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

وجود انواع گونه‌های سفال مربوط به سده‌های آغازین اسلامی که مشابه نمونه‌های به دست آمده از دیگر شهرهای مهم این دوره در فلات ایران هستند؛ در کنار قطعات گچ‌بری مکشوف از شهر سیمره که از نمونه‌های منحصر به فرد این هنر در سده‌های آغازین اسلامی به شمار می‌روند (لک‌پور، ۱۳۸۹)، نشان‌دهنده رونق و اهمیت شهر سیمره و وجود ارتباطات قوی هنری و بازرگانی آن با سایر شهرهای هم‌زمان در منطقه و فلات ایران می‌باشد. این شواهد نشان‌دهنده وجود راه‌های ارتباطی پررونق در منطقه جبال دارد که شهر سیمره در محور آن‌ها قرار داشته است و یکی از عوامل رونق شهر سیمره این راه‌ها و عواید اقتصادی آن‌ها بوده است.

پ) عوامل انسانی: حمایت‌ها و اقدامات عمرانی امرای آل حسنویه: یکی از عوامل پایداری و توسعه شهرها، عوامل انسانی است که بازرگانی و پیشه‌وری بخشی از آن به شمار می‌آید؛ این مسئله با میزان خدمت‌رسانی به روستاها و مناطق همجوار ارتباط تنگاتنگی دارد. در قرن چهارم هجری قمری با تشکیل حکومت محلی آل حسنویه، لرستان و ایلام که منطقه‌ای استراتژیک و کوهستانی بود به قلمرو حکومتی آن‌ها منضم گردید. آل حسنویه که هم‌زمان با عصر زرین فرهنگ ایران دوره اسلامی بر بخش وسیعی از غرب ایران حکومت می‌کردند تلاش‌های گسترده‌ای برای عمران و آبادانی منطقه انجام دادند. در واقع، اساس اقتصادی این دولت محلی بر موقعیت استراتژیک و ویژگی‌های طبیعی مناطق تحت سلطه ایشان استوار بود. در دوره حکومت «بدر بن حسنویه» (۳۶۹-۴۰۵ ه.ق. ۹۷۹-۱۰۱۴ م.) در بسیاری از شهرها بازارهای در جهت دسترسی عموم به مایحتاج احداث شد (زکی، ۱۳۷۷: ۳۵۳). وجود کاروانسرا در بخش شمالی شهر سیمره و مجموعه ساختمانی در مرکز شهر که با عنوان بازارچه معرفی شده است (فریادیان، ۱۳۸۹) را می‌توان اقداماتی از این دست برشمرد. با توجه به این‌که سیمره در مسیر راه‌های ارتباطی و بازرگانی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار داشته است؛ وجود بازار و کاروانسرا در آن، ضمن این‌که سود زیادی نصیب افراد و کاروان‌ها می‌کرد، درآمد زیادی از راه مالیات‌گیری برای دولت آل حسنویه داشته که باعث رونق بیشتر شهر می‌شده است.

دامنه اقدامات عمرانی حاکمان آل حسنویه و مخصوصاً بدر بن حسنویه در شهر سیمره و مناطق اطراف آن بسیار برجسته است؛ از جمله این اقدامات می‌توان به پل گاویشان اشاره نمود که بر روی رود سیمره بنا شده است (تصویر ۱۰). در این پل، کتیبه‌ای وجود داشته که به ساخت پل توسط بدر بن حسنویه اشاره داشته است.



تصویر ۹. جاده‌های باستانی منتهی به شهر سیمره (نگارندگان، ۱۳۹۸).

این کتیبه امروزه از بین رفته، ولی برخی پژوهش‌ها به وجود آن اشاره کرده‌اند (ایزدینا، ۱۳۵۰: ج ۱، ۴۸۸). منابع تاریخی گزارش می‌دهند که بدر به جاده‌سازی در منطقه تحت قلمروش اهمیت بسیار می‌داد. «روذراوری» گزارش می‌دهد که بدر در کوهستان‌های بلند، جاده می‌ساخت و به این وسیله راه‌های دور را نزدیک می‌کرد (روذراوری، ۱۳۳۴: ۲۹۰). جاده سنگ‌فرش «میرو ره» در کوه مه‌له در حدفاصل شهر سیمره و طرهان، یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی شهر سیمره بوده که پس از عبور از روی پل معظم «چم نمشت» وارد شهر سیمره می‌شود (تصویر ۱۱). ساخت و یا دست‌کم بازسازی این جاده در زمان بدرین حسنویه دور از ذهن نیست. با توجه به این‌که این جاده از مسیری کوهستانی و سخت عبور می‌کند تعدادی سازه کوچک یک یا دو اتاقه جهت خدمات‌رسانی به مسافران در مسیر آن ساخته شده است. با توجه به استعدادهای زیست‌محیطی و موقعیت راهبردی شهر سیمره امرای آل حسنویه و به‌ویژه بدرین حسنویه، تلاش گسترده‌ای جهت مرمت و تأسیس پل‌ها و احداث جاده‌های سنگ‌فرش در مسیر راه‌های منتهی به شهر سیمره نمودند؛ این تلاش‌ها در رونق شهر سیمره بسیار تأثیرگذار بود. مجموعه عوامل زیست‌محیطی به‌همراه، امکانات تدافعی و موقعیت راهبردی شهر سیمره در مسیر راه ارتباطی خوزستان به غرب ایران بستر مناسبی برای رونق شهر سیمره را فراهم نمود. امرای آل حسنویه با درک درست از این استعدادها تلاش‌های گسترده‌ای در جهت رونق شهر سیمره کردند. این اقدامات نقش عوامل اولیه را تسریع کرده و باعث شد که شهر سیمره در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای غرب ایران مطرح شود.



▲ تصویر ۱۰. پل گاومیشان بر روی رودخانه سیمره در مسیر ارتباطی سیمره به شاپورخواست (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دلایل متروک شدن شهر سیمره

در پژوهش‌های پیشین به متروک شدن شهر سیمره بر اثر حوادثی طبیعی چون زلزله

(راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۶؛ لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷) اشاره شده است، اما تاکنون شواهد باستان‌شناسی کافی و متقنی برای تأیید آن به دست نیامده است. برخی متون تاریخی نیز به زلزله خیز بودن منطقه اشاره کرده‌اند؛ در این منابع به وقوع دو زلزله در سده سوم و چهارم هجری قمری در سیمره اشاره شده است. زلزله اول در سال ۲۵۸ ه.ق. حادث شده که «ابن‌اثیر» آن را گزارش کرده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۳۱۶)؛ وی می‌گوید در این زلزله، ۲۰ هزار تن از ساکنان شهر کشته شدند. مقدسی نیز به وقوع زلزله در شهر سیمره در این سال اشاره کرده است (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۴). اما تاکنون شواهدی که وقوع زلزله‌ای به این شدت در شهر سیمره را اثبات کند به دست نیامده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی، شواهدی از قبیل اموال یا اسکلت برجای مانده در زیر آوار ساختمان‌ها و یا جابه‌جایی‌های غیرعادی در ساختمان‌ها که نشان‌دهنده وقوع زلزله‌ای شدید باشد، گزارش نشده است. ابن‌اثیر به کشته شدن ۲۰ هزار تن از اهالی شهر سیمره بر اثر زلزله اشاره می‌کند، ولی در کاوش‌ها حتی یک اسکلت مدفون در زیر آوار به دست نیامده است تا این گفته را تأیید کند؛ هر چند در کتاب گزارش کاوش‌های شهر سیمره به شکاف‌هایی در کف و دیوارهای بنای مسجد و چرخش در سقف یکی از اتاق‌های مسجد اشاره شده است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲) اما تصاویر و طرح‌های لازم و کافی که این ادعا را اثبات کند، ارائه نشده است. در کاوش‌های جدیدتر هم موردی که نشان از وقوع زلزله‌ای در شهر باشد به دست نیامده است (فریادیان، ۱۳۸۸: ۳۱۸-۳۱۹). ابودلف که به سال ۳۴۱ ه.ق. از شهر سیمره بازدید داشته است، به رونق و آبادانی شهر در این سال اشاره می‌کند و هیچ مطلبی در مورد ویرانی شهر یا زلزله‌ای که سال‌های قبل از سفر وی رخ داده، عنوان نکرده است. ابن‌اثیر در ذکر حوادث سال ۴۳۷ ه.ق. به حمله «ابراهیم بنال» به منطقه جبال اشاره می‌کند که در آن شهر سیمره را نیز مورد کشتار و غارت خود قرار می‌دهد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۳۹) که خود به روشنی نشان از حیات این شهر تا این تاریخ دارد؛ بنابراین، با استناد بر شواهد باستان‌شناسی و اشارات متون تاریخی که به رونق شهر در سال‌های پس از زلزله سال ۲۵۸ ه.ق. اشاره دارند، بعید به نظر می‌رسد که این زلزله باعث متروک شدن شهر شده باشد. زلزله دوم در سال ۳۴۴ ه.ق. رخ داده که مسعودی آن را گزارش کرده است (مسعودی، ۱۸۹۳: ۴۸). اما وجود سکه‌هایی از سال ۳۹۳ و ۳۹۶ هجری قمری، یعنی دوره حکومت بدر بن حسنویه، ضرب شهر سیمره به رونق این شهر در حدود ۵۰ سال پس از وقوع زلزله دوم اشاره می‌کند (قوچانی، ۱۳۷۴: ۶۰؛ تصویر ۴۲ و ۴۳). این سکه‌ها شواهدی متقن از رونق و شکوفایی شهر سیمره در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری، یعنی ۵۰ سال پس از زلزله دوم است. این شواهد سکه‌شناسی به روشنی نشان می‌دهند که شهر سیمره در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری رونق داشته و جایگاه مهمی در قلمرو آل حسنویه داشته است و اهمیت آن به حدی بوده که کرسی حکومتی داشته باشد و در آن سکه ضرب شود (تصویر ۱۲)؛ بنابراین با استناد بر این شواهد، نادرستی فرضیه متروک شدن شهر بر اثر زلزله سال ۳۴۴ ه.ق. نیز آشکار می‌شود. جدا از شهر سیمره، با توجه به برخی از



▲ تصویر ۱۱. بخشی از جاده سنگ‌فرش موسوم به «میرو ره» در کوه مه‌لّه ارتباط سیمره با طرهان (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گزارشات تاریخی (ابن جوزی، ۱۳۶۰: ج ۶، ۳۸۴ و ۳۸۷) زلزله در دیگر شهرهای جبال نیز به کرات رخ داده است، اما در هیچ موردی باعث متروک شدن شهر نشده است؛ بنابراین، هرچند با استناد بر متون تاریخی، وقوع دو زلزله در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری در شهر سیمره پذیرفتنی است، اما تاکنون شواهد باستان‌شناختی از این زلزله‌ها به دست نیامده است؛ بر این اساس می‌توان گفت که شدت این زلزله‌ها به حدی نبوده که در منابع تاریخی آمده است و نهایتاً این زلزله‌ها عامل اصلی متروک شدن شهر سیمره نبوده‌اند. پس از هر زلزله‌ها ساکنان شهر اقدام به بازسازی خرابی‌های ناشی از زلزله کرده‌اند و شهر به حیات خودش ادامه داده و رونق گذشته خود را باز یافته است. در دوره زمانی که برای متروک شدن شهر سیمره ذکر شده، یعنی قرن چهارم هجری قمری و حتی تاریخ‌های بعد از آن، شهر جدیدی در منطقه شکل نگرفته تا جایگزین شهر قدیمی شود؛ لذا انقراض و متروک شدن این شهر را باید در موارد دیگر جستجو کرد.

مسئله مهمی که در ارتباط با زوال شهر سیمره قابل توجه است، هم‌زمانی این زوال با سقوط دولت محلی آل حسنویه است. با توجه به این‌که دیگر شهرها و استقرارهای مهم قلمرو آل حسنویه هم‌چون شهرهای سیروان، آدیوجان و شاپورخواست در تاریخی هم‌زمان با سیمره متروکه می‌شوند، نگارندگان اعتقاد دارند که عوامل مهم‌تر و مشترکی در متروک شدن شهر سیمره و دیگر شهرهای هم‌زمان آن در منطقه نقش داشته است. بدون شک شکل‌گیری و رونق شهر سیمره در سایه حمایت قدرت‌های سیاسی منطقه‌ای و مرکزی بوده است. در قرن دوم و سوم هجری قمری به دلیل توجه خلفای اموی و عباسی به ایران و نقش شهر سیمره در این زمینه به دلیل نزدیکی آن به میان‌رودان و موقعیت آن در منطقه غرب ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. به دنبال شکل‌گیری حکومت آل حسنویه در غرب ایران که نقش حایلی بین خلافت عباسی و آل بویه داشت، هم دستگاه خلافت و هم آل بویه تلاش می‌کردند که به آل حسنویه نزدیک شده و کنترل منطقه را به دست بگیرند که در این زمینه نقش شهر سیمره قابل توجه است. ادامه حیات شهر سیمره پس از وقوع دو زلزله، نشان‌دهنده اهمیت این شهر برای این حکومت‌ها بوده است. هم‌زمان با کاهش قدرت آل حسنویه و محدود شدن قلمرو آن‌ها به شمال لرستان در اوایل قرن پنجم هجری قمری، راه‌های ارتباطی منطقه که یکی از عوامل اصلی رونق شهر سیمره بودند، ناامن شد و به مرور از رونق آنها کاسته شد. به موازات این افول شهر سیمره و دیگر شهرهای قلمرو آل حسنویه کم‌کم رو به افول نهادند. حکومت‌هایی که بعد آل حسنویه بر منطقه جبال حکمرانی می‌کردند از قدرت زیادی برخوردار نبودند و به مانند آل حسنویه توان اعمال نفوذ سیاسی-اقتصادی بر غرب ایران را نداشتند و در زمینه عمران و آبادانی منطقه جبال و شهرهای آن فعالیت چندانی نداشتند. با روی کار آمدن مغولان و با انتقال مراکز حکومتی و جابه‌جایی در مسیرهای ارتباطی از غرب به مناطق مرکزی ایران اکثر استقرارهای منطقه متروک می‌شوند و منطقه اهمیت گذشته خودش را از دست می‌دهد و زندگی کوچ‌نشینی که سنتی دیرینه در منطقه بود بر استقرار در شهرها ترجیح داده می‌شود.



▲ تصویر ۱۲. سکه ضرب شهر سیمره (قوچانی)، ۱۳۷۳: ۶۰، تصویر ۴۲.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، نشانگر موجودیت شهر سیمره در سده‌های آغازین اسلامی در محدوده شهرستان امروزی دره‌شهر و منطقه باستانی آن به نام «کلیک» است. شواهد حاصل از بررسی‌های باستان‌شناسی و اشارات منابع مکتوب به حیات آن در دوره ساسانی نیز اشاره دارند. فرآیند مکان‌گزینی، گسترش و فروپاشی شهر سیمره متأثر از ارتباط متقابل عوامل محیطی و انسانی بوده است؛ در مرحله انتخاب مکان ساخت شهر، ملاحظات امنیتی و تدافعی به عنوان عامل اولیه نقش اصلی را ایفا کرده است و در مرحله بعد توانمندی‌های زیست محیطی منطقه هم‌چون: زمین‌های حاصلخیز و مناسب کشاورزی، چشمه‌های آب شیرین، وفور و تنوع گونه‌های گیاهی و حیوانی در ترکیب با موقعیت مناسب ارتباطی شهر سیمره بر سر گذرگاه جنوب به غرب ایران به عنوان پشتوانه‌های محیطی، نقش عامل اولیه را تقویت کرده است. موقعیت راهبردی این شهر در دسترسی به شبکه راه‌های ارتباطی درون و برون منطقه‌ای و استعدادهای اقتصادی آن باعث توجه امرای آل حسنویه به آن شد و اقدامات عمرانی هم‌چون مرمت و ساخت پل‌های و جاده‌های منتهی به شهر تداوم استقرار و رونق آن را تسهیل کرد. در متون تاریخی به زلزله‌هایی در شهر سیمره اشاره شده است که در مطالعات جدید با مبنا قرار دادن این گزارش‌ها، متروک شدن شهر سیمره را متأثر از این عامل تصور کرده‌اند. اما با توجه به حیات این شهر پس از زلزله‌های متناوب، شکوفایی منطقه در زمان حکومت بدربن حسنویه و ضرب سکه در آن، این فرضیه مورد تردید جدی است و وقوع زلزله نمی‌توانسته به تنهایی منجر به متروک شدن شهر سیمره شده باشد. در کنار زلزله باید به نقش عوامل مهم‌تر، یعنی مسائل سیاسی و تاریخی اوایل سده پنجم هجری قمری و تأثیر آن‌ها در اقتصاد منطقه توجه داشت. از اوایل سده پنجم هجری قمری به دنبال زوال آل حسنویه بر اثر اختلافات داخلی و سپس شکست آن‌ها از آل بویه، قلمرو آن‌ها به شمال لرستان و قلعه سرماج (نزدیک هرسین) محدود و از تسلط آن‌ها بر غرب ایران کاسته شد و متعاقب این افول سیاسی، راه‌های ارتباطی که شریان اقتصادی شهر بود نیز از رونق افتاد و هم‌زمان با این تنزل، شهر سیمره نیز به مرور از رونق می‌افتد. با روی کار آمدن مغولان و با انتقال مراکز حکومتی از غرب به مناطق مرکزی ایران، مسیرهای ارتباطی و بازرگانی که از عوامل اصلی رونق شهرهای منطقه لرستان به شمار می‌رفت، جابه‌جا شدند و این عامل بیش‌ازپیش از رونق منطقه کاست و به دنبال آن، اکثر استقرارهای منطقه متروک شدند.

سپاسگزاری

از آقای عبدالله قوچانی به خاطر ارائه تصویر سکه‌های شهر سیمره کمال تشکر و امتنان را داریم.

پی‌نوشت

2. Stein
3. Chericof
۴. «قالوا: ولم يكن في ملوك الطوائف الذين كانوا بأرض العجم ملك أعظم ملكا، ولا أكثر جنودا من أردوان بن أشه بن اشغان ملك الجبل، كان إليه الماهان و همدا، و ماسبذان، و مهرجانقذق، و حلوان» (دینوری، ۱۳۳۹: ۴۰).
۵. «آی گویدی» براساس نام‌های مناطق کلیسایی خاوری سربانی که از تصویب نامه‌های مراکز نسطوری سده‌های پنجم تا هفتم میلادی گرفته شده است، فهرست مناطق کلیساهای نسطوری را در پایان سده نوزدهم میلادی به چاپ رسانیده است که «ژ. شابو» متن کامل این تصویب نامه را با ترجمه فرانسوی و حواشی آن به سال ۱۸۸۹ م. منتشر کرده است.
6. Kust Xwarwaran
7. Markwart
۸. این برخلاف عقیده برخی از پژوهش‌های جدید می‌باشد که معتقدند در این زمینه هیچ منبعی وجود ندارد (مظاهری و همکاران، (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۹).
۹. «... و قرأت فی بعض الكتب ان الرئی واصفهان لیساً من بلاد البهلویین و آنما هی همدان و ماسبذان و مهرجانقذق و هی الصیمره و ماه البصره و هی نهاوند و ماه الکوفه و هی الدینور و...» (همان).
۱۰. «و قوم یقولون: ان ابا موسی فتح ماسبذان قبل وقعه نهاوند، و هو صهره علی ابنته، و هی أم محمد بن السائب الی الصیمره مدینه مهرجانقذق ففتحها صلحاً علی حقن الدماء و ترک السباء و الصفح عن الصفراء و البیضاء، و علی أداء الجزیه و خراج الارض و فتح جمیع کور مهرجانقذق» (همان).
۱۱. «... و هی للفاصد من همدان الی بغداد عن یساره، و بها نخل و زیتون و جوز و ثلج و فواکه السهل و الجبل، و بینهما و بین الطّرحان قنطره عجیبه بدیعه تکون ضعف قنطره خانقین تعد فی العجائب» (همان)، چنان‌که مشاهده می‌کنیم این پل به حدی بزرگ بوده است که تعجب ابودلف را در پی داشته است و حتی از پل معروف آن روزگاران خانقین نیز چند برابر بزرگ‌تر بوده است. یکی از منابع اصلی یاقوت حموی در تدوین معجم البلدان همین اثر جغرافیایی ابودلف می‌باشد که در جلد ۳ کتاب خود به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته است که در قسمت مورد بحث ما نیز این مورد کاملاً واضح می‌باشد.
۱۲. وی دارای لقب «ناصرالدین و الدوله» بوده است که آن را در سال ۳۸۸ هـ. ق. ۹۹۸ م. از خلیفه عباسی دریافت می‌کند که حاکی از نفوذ و قدرت وی در این سالیان است. برای آگاهی از خاندان آل حسنویه و اقدامات سیاسی آن‌ها ر. ک. به: اذکایی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ۶۸۴-۶۸۷.
۱۳. «... و فیها کانت هذه عظیمه هائله بالصیمره، ثم سمع من ذلك الیوم هده أعظم من الأولى، فانهدم أكثر المدینه، و تساقطت الحیطان، و هلک من أهلها زهاء عشرين ألفاً» (الکامل، ج ۷، ۲۵۶).
۱۴. ابن اثیر در ذکر حوادث مربوط به سال ۴۳۴ هـ. ق. اشاره می‌کند که به دلیل زلزله در شهر تبریز ۵ هزار نفر در این شهر جان خود را از دست دادند که این مورد با توجه به جمعیت آن روز، این شهر بسیار اغراق آمیز به نظر می‌رسد.

کتابنامه

- ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق.، الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
- ابن جوزی، ۱۳۶۰ ق.، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم. حیدرآباد دکن: دائرةالمعارف بزرگ عثمانیه.
- ابن حوقل، ۱۳۱۵ ق.، صورةالأرض. لیدن: بریل.
- ابن خردادبه، ۱۸۸۹ م.، المسالک و ممالک. لیدن: بریل.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۲۷۹ ق.، الإغلاق النفیسه. لیدن: بریل.
- ابن فقیه همدانی، ۱۳۰۲ ق.، البلدان. لیدن: بریل.
- ابن وردی، ۱۳۸۹ ق.، تتمه المختصر فی اخبار البشر. بیروت.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، ۱۳۳۲ ق.، المختصر فی اخبار البشر. جلد ۱ و ۲، بی‌جا.
- همو، ۱۸۴۰ م.، تقویم البلدان. پاریس.
- ابودلف، ۱۹۶۰ م.، الرسالة الثانیه. ترجمه و تعلیق از: بولگاکف و آنس خالدوف، مسکو.
- اذکایی، پرویز، ۱۳۷۴، «آل حسنویه». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱، تهران: مرکز دائرةالمعارف اسلامی.
- استخری، ۱۳۴۰، مسالک و ممالک. ترجمه و تصحیح: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ایزدپناه، حمید، ۱۳۵۰، آثار باستانی و تاریخی لرستان. ۲. جلد، تهران: انجمن آثار ملی.
- بغدادی، ۱۳۷۴ق.، مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع. ۳. جلد، داراحیاء الکتب العربیه.
- بلاذری، ۱۴۱۲ق.، فتوح البلدان. بیروت: دارالفکر.
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۶۳، تاریخ ایران؛ تاریخ کمبریج. (گردآوری)، ترجمه حسن انوشه، جلد ۴، تهران: امیرکبیر.
- چریکف، مسیو، ۱۳۵۸، سیاحتنامه. ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش: علی اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۳۷۶ق.، معجم البلدان. جلد ۳، بیروت.
- دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیای غرب ایران. ترجمه و توضیح: کاظم ودیعی، تبریز: چهر.
- دینوری، ۱۳۳۹ق.، اخبار الطوال. قاهره.
- راولینسون، هنری، ۱۳۳۶، سفرنامه هنری راولینسون به لرستان-خوزستان و بختیاری. ترجمه سکندر امان‌الهی، لرستان: انجمن ادب و قلم.
- الروذراوری، ظهیرالدین ابوشجاع محمدبن الحسین، ۱۳۳۴ق.، ذیل کتاب تجارب الامم. تصحیح: ه. ف. آمدروز، بغداد.
- شنبه‌زاده، مالک؛ و علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «نقش برجسته نویافته دوره آشور نو در میشخاص ایلام». پیام باستان‌شناس، سال ۷، شماره ۱۴، صص: ۹۱-۱۰۰.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۹۶۴م.، تاریخ الرسل و الملوک. جلد ۵، لیدن: بریل.
- علی بیگی، سجاد، ۱۳۹۱، «آیا شیء گچی مکشوفه از محوطه چمن‌نمشت نشان از یک آتشکده دوره ساسانی دارد؟». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال ۴، شماره ۸، صص: ۱۹۶-۲۰۲.
- قزوینی، محمد بن محمود، ۱۳۸۰ق.، آثار البلاد و اخبار العباد. بیروت.
- قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۳، «قلمرو حکومت ابونجم بدرین حسنویه با استناد بر سکه‌ها». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۸، شماره ۲، بهار و تابستان، صص: ۴۶-۶۵.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۶۸، «دره شهر». مجموعه مقالات شهرهای ایران، جلد ۳، تهران: جهاد دانشگاهی، صص: ۳۴-۶۵.
- گراوند، مرتضی؛ و زینی‌وند، محسن، ۱۳۹۲، «پیشنهادی برای محل شهر ساسانی سیمره براساس متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، صص: ۴۷۳-۴۸۴.
- لسترنج، گای، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی خلافت. ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- لشگری، آرش، ۱۳۹۰، «کاوش نجات‌بخشی محوطه برزقواله لرستان، حوضه سد سیمره». تهران: آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- لک‌پور، سیمین، ۱۳۸۹، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر. تهران: پازینه.

- لک‌پور، سیمین، ۱۳۸۳، «معرفی خانه اربابی». در: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم. جلد ۱، به‌کوشش: باقر آیت‌الله زاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۲۱۸-۱۸۷.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۴۴، مروج الذهب و معادن الجواهر. جلد ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۴۶ ق.، التنبيه و الاشراف. لیدن: بریل.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۵، «نقش برجسته صخره‌ای اشکفت گل گل: یادگاری از هنر حجاری آشور جدید». پیام باستان‌شناس، سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان، صص: ۶۳-۷۴.
- مظاهری، خداکرم؛ زینی‌وند، محسن؛ و کریمی، بهرام، ۱۳۹۳، «زوال ولایت مهرجان قذق براساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی». مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۴، شماره ۲، صص: ۸۵-۱۰۲.
- مقدسی، محمدبن احمد، ۱۹۰۶ م.، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. لیدن: بریل.
- بی‌نا، ۱۳۴۰، حدود العالم من المشرق الى المغرب. به‌کوشش: منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- بی‌نا، ۱۳۷۸، مجمل التواریخ و القصص. ویرایش: سیف‌الدین نجم‌آبادی و زیگفرد وبر، انجمن پژوهشی آلمان.
- بی‌نا، ۱۳۸۸، شهرستان‌های ایران‌شهر، با آوانویسی. ترجمه فارسی و یادداشت‌ها: تورج دریایی، مترجم: شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- یعقوبی، ۱۳۴۳، البلدان. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یوسف‌وند، یونس؛ و میری، فرشاد، ۱۳۹۵، «مطالعه تطبیقی گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی دره‌شهر با نمونه‌های مسجد جامع نایین». فصلنامه نگره، شماره ۳۹، صص: ۳۵-۴۵.

- De Morgan, J., 1896, *Recherches Archeologiques I*. Paris: Ernest Leroux.

- Guidi, I., 1889, *Ostsyrische Bischofe und Bischofssitze im V, VI und VII. Jahrhundert*, Leipzig.

- Stein, A., 1940, *Old Routes of Western Iran*. London.